

نزرک اسلام

(۱۰)

خواجه نصیرالدین طوسی



او دانشمند و پژوهشگری بود که دانشمندان دوست و دشمن در برابر او سر تعظیم فرود آورده و برای درک علوم معقول و منقول در خدمتش زانوی ادب بزمین می‌زدند... کتابها و آثار سودمند بسیاری در فنون و علوم گوناگون دارد بویژه اینکه کوشش فراوانی در رد شبهات فخررازی نمود که این شبهات را فخر در شرح اشاراتش نوشته است.

شخصیت اجتماعی

یکی از مشخصات بارز علمای بزرگ ما این است که چون علم و دانش را برای خدا می‌خواهند و در راه خدمت به بندگان خدا مصرف میکنند، از این رو خدا، وقار و شخصیت اجتماعی ارزنده‌ای به آنان ارزانی داشته است "وَلْيَلْبِغُوا الْعِزَّةَ وَلِرَسُولِهِ وَلْيَلْمُوا وَيُنِيبُوا" این عزت را خداوند به بندگان خالص خود داده است و در طول تاریخ، مردم شاهد این عزت برای بندگان شایسته خدا بوده اند. محقق طوسی نیز از این نعمت الهی برخوردار بود، لذا هنگامی که هلاکوخان مغولی به کشورهای اسلامی یورش برد و به هر جا می‌رسید حرث و نسل را از بین می‌برد و برای هیچ مقامی استثناء قائل نبود، در یک چنین جو خفقانی، محقق طوسی چاره‌ای نداشت جز اینکه خود را به آن ستمگر سفاک نزدیک کند و از راه کنترل کردن وی خدماتی به اسلام و مسلمین داشته باشد. آن گونه فکری که به این بزرگمرد وارسته و اندیشمند خرده می‌گیرند و نفهمیده و سنجیده انتقاد می‌کنند، خوب است نظری

در یازدهم جمادی الاولی سال پانصد و هفتاد و نه هجری، شهر طوس - زادگاه مردان افتخار آفرین تشیع - دیگر کودکی را پذیرا شد که در آینده‌ای نه چندان دور هر دو به هم مباحثات کردند: خواجه نصیرالدین طوسی به زادگاه خود، شهر مقدسی که مرکز اشعنانوار درخشان هشتمین ستاره تابناک ولایت و امامت، علی بن موسی الرضا (ع) و مرقد مطهر آن بزرگوار است، و همچنین طوس به این دانشمند جلیل القدری که در دانشهای گوناگون متبحر بود و آثار گرانمایه و ارزشمند وی نه تنها در جوامع و حوزه‌های اندیشه اسلامی مورد بهره برداری بوده و هست، بلکه این آثار در دانشگاه‌های غربی نیز تدریس میشود.

خواجه نصیرالدین را نمیتوان یک شخصیت شمرد، او دارای شخصیتها و ابعاد مختلفی بود که گویا چند شخصیت بود در یک جسم و جان: فقیه، متکلم، محقق، فیلسوف، ریاضی‌دان و استاد علم هیئت. علامه حلی که افتخار شاکردی محقق طوسی را داشت، در باره وی چنین می‌گوید: شیخ، افضل اهل زمان خود در علوم عقلیه و نقلیه بود. او دارای تالیفات بسیار در فلسفه و علوم شرعیه است کسی پایبند نراز او در اخلاق نیافتم. در خدمت او الهیات کتاب شفای ابن سینا و پس از آن تذکره در علم هیئت را که تالیف خود ایشان است، یاد گرفتم. قطب الدین اشکوری در کتاب "محبوب القلوب" می‌نویسد:

به موقعیت خواجه و اوضاع سیاسی آن زمان بکنند تا بهتر خواجه را بشناسند. اینک برخی از آثار این تقرب را می‌شماریم:

۱- هلاکو قصد داشت تمام کتابها و آثار تشیع را آتش بزند و علما را از بین ببرد، لذا محقق طوسی با سلاح علم و با هیبت و وفاری که داشت توانست به هلاکو نزدیک شود و از تلف شدن آن همه کتابهای ارزشمند و نفیس جلوگیری نماید. او تنها در یک کتابخانه بیش از ۴۰۰ هزار جلد کتاب نگهداری می‌کرد. و همچنین در اثر این تقرب، بسیاری از اهل علم و ادب را از مرگ حتمی نجات داد.

۲- یکی از فواید دیگر نزدیک شدن به هلاکو، این بود که محقق طوسی پس از برخورداری از یک سلطه نسبی، توانست حدود الهی را جاری نماید، و لذا آن چند سالی که محقق طوسی قدرتی داشت بعنوان یک ولی فقیه حدود شرعی را جاری و نماز جمعه را برپا نمود. نماز جمععی که کمتر علما قدیم، قدرت برپائی آن را داشتند، خواجه نصیرالدین طوسی این فریضه عبادی سیاسی را اقامه کردند.

۳- در سال ۶۵۷ با استفاده از امکانات مادی هلاکو، رصدخانه‌ای در مراغه ترتیب داد.

لازم به تذکر است که داستانهای دروغ و نارواشی درباره محقق طوسی نقل می‌کنند، از جمله اینکه چون وی به قدرت رسید از دشمنان خود من جمله یکی از وزرا، انتقام گرفت و آنان را از بین برد که البته این داستانها را تنها مفسرین و دشمنان روحانیست برای شکستن و آلوده کردن مقام منبع پاسداران بزرگ اسلام، منتشر کرده‌اند و نه اینکه فقط دروغ است بلکه قابلیت باور کردن هم ندارد. جالب اینجا است که مهمترین داستان انتقام جویی را درباره "ابن حاجب" وزیر نقل می‌کنند با اینکه از نظر تاریخی با خواجه در یک زمان نبوده است. در اینجا لازم است که از تلویزیون جمهوری اسلامی نیز بخواهیم در نقل چنین داستانهای - گرچه برای تأثر مناسب هم باشد - دقت بیشتری بکنند و باحوال آگاه به مقام شامخ محقق طوسی رضوان الله علیه بطلع و وارد نکنند.

مقام علمی

در باره شخصیت علمی او چه میتوان گفت در جائیکه علامه حلی با آن همه مقام و منزلت، هنگامی که از محقق طوسی ساد میکند، او را استاد البشر میخواند. آن بزرگوار در اکثر علوم استاد بوده ولی بیشتر به حکمت و ریاضی مشهور است. البته این بدان معنی نیست که خواجه از نظر فقهی - مثلاً - کمبودی داشته است بلکه چون در علوم دیگر نیز بسیار متبحر بوده است لذا به حکمت و ریاضی و هیئت اشتهار داشته و دارد.

خواجه در آغاز تحصیل، نزد دانی خود به علوم عقلیه پرداخت سپس به نیشابور رفت و در آنجا از محضر درس فضلائی همچون

فریدالدین داماد و قطب الدین مصری و دیگر بزرگان حکمت بهره بسیاری برد.

خواجه در بسیاری از علوم تالیف و تصنیف دارد ولی چندان از آثار ارزشمند او شهرت بیشتری در مجامع علمی دارد که به برخی از آن آثار اشارهای کرده و دیگر کتابهای آن بزرگوار را فهرست وار نقل می‌کنیم:

۱- تجرید العقائد: در علم کلام، این کتاب از بهترین کتابهای است که در معقولات و رد شبههها نوشته شده است و گرچه کتاب از نظر حجم کوچک است ولی از نظر معنی بسیار پر محتوی و متین و فصیح است که ملا علی قوشچی یکی از شارحین این کتاب می‌نویسد اگر علامه حلی شرح بر تجرید نمی‌نوشت، هرا پنه تجرید در بونه اجمال و ابهام باقی میماند و چیزی از آن فهمیده نمیشد.

۲- آداب المتعلمین: اولین کتابی است که در آداب تحصیل علم و شرائط دانشجوی و استاد نوشته شده. این کتاب مشتمل بر دوازده فصل است که پیرامون ماهیت علم و اخلاص در طلب علم و دقت در انتخاب استاد و مدت تحصیل و برهیز از حسد و لزوم استفاده از تمام لحظات عمر و لزوم ورع و برهیزگاری برای دانشجوی و همچنین اسباب تقویت نیروی حافظه و رعایت آداب دینسی و مسائل ظریف و دقیق بی شماری در این مورد بحث می‌کند.

۳- الشکل القطاع: این کتاب ریاضی در نوع خود بی نظیر است. در کتاب فلاسفه الشیعه ص ۴۸۹ آمده است: غریبها کتاب - الشکل القطاع را به زبانهای لاتین و انگلیسی و فرانسه ترجمه کرده‌اند و در طول قرنهای متعدد مرجع دانشمندان اروپائی بوده که معلومات خود را در مورد مثلثات مستوی و کروی از آن می‌گرفتند. خواجه اولین کسی است که حالات ششگانه مثلث کروی قائم الزاویه را به کار برده و آن را در اینجا کتاب ذکر کرده است. هرکس این کتاب را مطالعه کند، متوجه میشود که مطالب مزبور فقط در جدیدترین کتابهایی که در باب هر دو نوع مثلثات تالیف شده موجود است.

۴- التذکره التصیریة فی الهیئة: این کتاب که در علم هیئت نوشته شده، سخت از منظومه بطلمیوسی انتقاد میکند و بویژه در باره حرکت سیارات بر آن خرده می‌گیرد.

در کتاب "فلاسه الشیعه" آمده است: خواجه نصیر الدین طوسی نظریه‌ای را که پایه افسانه‌های خرافی یونان بود و جمعی از فلاسفه مسلمان هم آن را از یونانیان فرا گرفته بودند، بکلی از میان برداشت و با نقض نظریه یونانی، افسانه عقول عشره و ملحقات آن - یعنی آرائی که در هیئت قدیم عنوان می‌شد و می‌گفتند افلک زنده و عاقلند و دارای فکر و تدبیر - همه را از پایه منهدم و ویران ساخت. و اساس هیئت قدیم را پیش از ولادت "کوپرنیک" و "گالیه" به چند قرن، برهم ریخت. امری که در این باب عجیب است این است که خواجه از ملاک خود همان

قاعده استفاده کرده و دلیل بر نقض آن آورده است. (۱)

خواجه نصیر الدین طوسی در منظومه سیاره‌های خود، بسرای توضیح دادن حرکت ظاهری سیارات، دو کره تصور کرده بود که یکی در داخل دیگری دوران می‌کرد. به همین جهت مورخ آمریکائی ریاضیات اسلامی "ا. س. کندی" که به این طرح سیاره‌های متوجه شده، آن را "جفت طوسی" نامیده است، زیرا مجموع دو حامل متحرک را نشان میدهد. (۲)

- ۵- تحریر المصطفی: این کتاب نیز در علم هندسه است.
- ۶- اساس الاقتباس در منطق.
- ۷- شرح اشارات ابن سینا.
- ۸- تحریر اوقلیدسی.
- ۹- زیج ایلخانی.
- ۱۰- اوصاف الاشراف.
- ۱۱- تذکره در هیئت.
- ۱۲- رساله سی فصل در معرفت تقویم.
- ۱۳- رساله اسطرلاب.
- ۱۴- جامع الحساب.
- ۱۵- قواعد العقاید.
- ۱۶- رساله در جبر و قدر.
- ۱۷- رساله اجوبه سئوالات شیخ صدر الدین قنوی.
- ۱۸- رساله رد ایراد گاتسی بر دلیل حکما در اثبات واجب.

۱۹- اخلاق ناصری.

۲۰- رساله در تحقیق نفس الامر.

۲۱- رساله در بحث امامت.

زندگی افتخار آفرین این دانشمند بزرگ- که در صورت ظاهر، دنیا به او روی آورده و با کمال تنعم و لذت می‌توانست زندگی را بگذراند- در نهایت زهد و دوری از لذات دنیوی گذشت، که خود در این باب می‌فرماید:

لذات دنیوی همه هیچ است نزد من در خاطر از تغییر آن هیچ ترس نیست روز تنعم و شب عیش و طرب مرا غیر از شب مطالعه و روز درس نیست و سرانجام پس از ۷۵ سال عمر پربرکت، در روز ۱۸ ذی حجه (عید غدیر) از سال ۶۷۲ هجری به جوار حضرت حق تعالی شافت، و در کاظمین، در جوار امام هفتم و امام نهم علیهما السلام به خاک سپرده شد.

نوشتفاند که در حال احتضار از ایشان پرسیدند: آیا اجازه می‌فرمائید جنازه شما را به نجف اشرف حمل کنیم، فرمود: مرا همین جا دفن کنید زیرا از امام موسی بن جعفر علیهما السلام خجالت می‌کشم که در جوار او بمیرم و جنازه مرا به جای دیگر منتقل کنند.

- ۱- فلاسفة الشيعة من ۲۹۳ به نقل از "دانش‌مسلین" ص ۱۶۷.
- ۲- کتاب علم و تمدن در اسلام ص ۱۷۵ (با اختصار).

یازدهم مهر- انتخابات ریاست جمهوری سومین رئیس‌جمهور، حجت‌الاسلام خامنه‌ای با ۱۶/۰۰۷/۸۲۴ رأی (۱۳۶۰) سیزدهم مهر- هجرت امام خمینی از عراق به پاریس. (۱۳۵۷) پانزدهم ذی‌حجه- ولادت امام علی- النقی (ع). (۲۱۲ ه. ق) پانزدهم مهر- اعدام انقلابی سادات خاشن توسط شهید خالدا سلامبولی. (۱۳۶۰) هیجدهم ذی‌حجه- عید سعید غدیر هیجدهم مهر- تنفیذ حکم ریاست جمهوری حجت‌الاسلام خامنه‌ای توسط امام امت ۱۳۶۰ بیست و چهارم مهر- به آتش کشیدن مسجد جامع کرمان توسط شاه‌خاشن. (۱۳۵۷) اول محرم- آغاز سال ۱۴۰۳ هجری قمری دوم محرم- قتل عام پناهندگان مجاهد عربستان در حرم امن خدا مسجد الحرام توسط رژیم سرسپرده سعودی. (۱۴۰۰ ه. ق)

منتهای وسعت جوارش

پنجم مهر- شکست محاصره آبادان بوسیله رژیمندگان سپاه اسلام. (۱۳۶۰) هفتم ذی‌حجه- شهادت امام محمد باقر علیه السلام. (۱۱۴ ه. ق) هفتم مهر- شهادت حجه الاسلام هاشمی نژاد. (۱۳۶۰) هشتم مهر- شهادت فرماندهان نیروهای مسلح: سولشکر فلاحی- سرتیپ نامجو سرتیپ فکوری و برادر کلاهدوز (۱۳۶۰) نهم ذی‌حجه- روز عرفه و شهادت حضرت مسلم. (۵۶۰ ه. ق) دهم ذی‌حجه- عید قربان.

دنباله سرگذشت‌های ویژه

- امیدوارم از پذیرائی در صفوان هیچ‌گونه ناراحتی نداشته باشید! (امام به شدت از معطلی در صفوان اعتراض کردند و فرمودند) - ما در آنجا تقریباً بازداشت بودیم، اصلاً از رفتار مأمورین شما راضی نیستیم، در ضمن یکی از همراهان ما را نیز در آنجا توقیف کردند. - از آنچه گذشته است معذرت می‌خواهم! فردا آن دیگری به شما ملحق خواهد شد. ولی آفایانی که از کویت آمده‌اند باید برگردند. هیچ‌گونه دلیلی برای ماندن آنها نیست. امام از ما خواستند که به کویت برگردیم با صدها آندوه و یگرانی، ناچار به کویت بازگشتم. هنوز صبح نشده بود به منزل رسیدیم همه بیدار بودند و چشم به انتظار شهید محمد منتظری تیر بیدار بود و منتظر... سید محمد رضا مهتری